

نقاب حقیقت
خنجر قدرت

قادر باستانی‌تبریزی
پژوهشگر علوم ارتباطات
و رسانه

۳۴ سال پیش همین روزها، در تابستان ۱۹۹۱، طولمار حیات روزنامه‌پروا برای همیشه درهم‌پچید؛ رسانه‌ای که روزگاری صدای مردم‌نویدبخش آرمان‌های عدالت‌خواهانه بود، در عصر استالین به سلاحی مرگبار و ابزاری برای تحریف حقیقت، تحقیر آزادی و تهدید اندیشه تبدیل شد. امروزه واژه «رسانه‌های پروادایی» یادآور رسانه‌هایی است که در حصار توهامات ایدئولوژیک، واقعیت را در چنگال تحریف می‌فشارند و منتقدان را زهر تهدید می‌نوشانند. پروادا به دفتر تاریخ سپرده شد، اما قلم‌به‌دست‌اتش - که خود را در خدمت دیکتاتوران متوهم و خودشیفته درآوردند-رؤیاهای ملتی را بر باد دادند و تیشه بر ریشه روشن‌اندیشی زدند و اهل اندیشه را تا مرز خاموشی راندند. آنان شأن و شرافت آرمان‌های سوسیالیستی را نیز آلوده کردند و نام خود را به‌عنوان عبرتی برای فرداها، در حاشیه سیاه تاریخ نگاشتند. فوکو بر این باور است که حقیقت مفهومی مطلق، ایستوا جهان‌شمول نیست، بلکه امری برساخته و مشروط به مناسبات قدرت و دانش در بستر تاریخی و اجتماعی هر جامعه است. از منظر او، هر جامعه واجد رژیم حقیقت خاص خود است؛ نظامی معرفتی که حدود و ثغور آن تعیین می‌کند، کدام گزاره‌ها واجد اعتبار شمرده می‌شوند و کدام گفت‌مان‌ها مجازند خود را به‌عنوان حقیقت بنمایانند. به‌تعبیر فوکو، حقیقت زاییده قدرت است و به‌مثابه ابزاری در خدمت تثبیت و بازتولید آن، ایفای نقش می‌کند. نام پروادا، روزگاری چون طنین چکمه‌های استبداد، لرزه بر اندام منتقدان ایدئولوژی حاکم، خائنان غرب‌گرا و لیبرال‌های وطنی می‌افکند. صفحات این روزنامه، نه آینه حقیقت که صحنه‌پردازی دروغ‌های بزرگ دربار پیروزی‌های موهوم نظام کمونیستی و بازتاب‌دهنده توهامات دائمی نسبت به‌توطئه‌های بی‌پایان دشمن بود. پروادا، دیگر یک رسانه نبود، بلکه بازوی تبلیغاتی دستگاه امنیتی محسوب می‌شد که مأموریت‌اش، نه اطلاع‌رسانی که شناسایی و انهدام روشن‌فکران و سرکوب بی‌رحمانه دگراندیشان بود. چه جان‌های گرانمایه‌ای که در پرتو خبرسازی‌های کینه‌توزانه این روزنامه به خاک افتادند و چه انسان‌های شریفی که سالیان عمر خود را در سرمای جان‌سوز سیبری، در زنجیرگاه‌های بی‌رحم سپری کردند. دستگیری، محاکمه و اعدام مخالفان، اغلب با انتشار مقالات تحریک‌آمیز در پروادا آغاز می‌شد. برای نمونه در ۱۲ ژوئن ۱۹۳۷، مقاله‌ای با عنوان «خیانت به مادر انقلاب» منتشر شد که زمینه‌ار برای پاکسازی‌های خونین و سرکوب گسترده فراهم کرد. این روزنامه با اتهام‌زنی، ایجاد رعب و وحشت و مشروعیت‌بخشی به خشونت‌های حکومتی، به ابزار سرکوب نظام تبدیل شده بود. پروادا در سال ۱۹۱۲ به ابتکار لنین بنیان نهاده شد؛ رسانه‌ای با نثری روان، صمیمی و مردم‌فهم که رسالت نخستین آن، بازتاب آراء توده‌ها و پل‌زدن میان شوراه و شهروندان بود. در آن سال‌ها، پروادا محفلی برای گفت‌وگو، تضارب آراء و مشارکت عمومی در سیاست‌تورزی به‌شمار می‌رفت؛ حتی بسیاری از تصمیمات دولتی، تنها پس از انتشار در این روزنامه و دریافت بازخورد افکار عمومی، رسمیت می‌یافت. اما پس از مرگ لنین، این رسانه به‌تدریج در چنگ‌تئوریسم‌های امنیتی و بازجویانی افتاد که روزنامه‌نگاری را ابزاری برای پرورنده‌سازی، حذف و ارباب می‌دانستند.

در دوران استالین، خصوصاً در دهه ۱۹۳۰ میلادی، جوترس و سرکوب در شوروی به اوج خود رسید و مردم شاهد افزایش شدید عملیات‌های پاکسازی سیاسی، اعدام‌ها و زندانی شدن مخالفان بود. پروادا که روزنامه رسمی حزب حاکم بود، نقشی مهم در پروپاگاندا ایفا می‌کرد و انتقاد از حکومت یا شخصیت‌های مورد تایید حزب، می‌توانست عواقب مرگبار داشته باشد. فشارهای سیاسی بر هنرمندان و روشنفکران در این دوره باعث شد که بسیاری از آنها یا در سکوت فعالیت کنند، یا به‌طور کامل از صحنه هنر کنارت بکشند. پروادا، با تحریف اخبار و ارائه دیدگاه‌های یک‌سویه، بر آگاهی عمومی تأثیر می‌گذاشت. ررواق ابزار ایدئولوژیکی بود که به حکومت کمک می‌کرد تا یک توهم از حمایت مردمی و مشروعیت سیاسی ایجاد کند. بسیاری از افراد به‌دلیل ترس از عواقب احتمالی، از اظهارنظرهای انتقادی خودداری می‌کردند و در نتیجه جامعه شوروی به‌نوعی سکوت قبرستانی دچار شد. این فضا نه‌تنها هنرمندان و روشنفکران را مجبور به رعایت خط‌مشی حاکمیت می‌کرد، بلکه بسیاری از مردم را به پنهان کردن افکار و عقاید واقعی خود وادار می‌نمود. تاریخ گواهی داد که هیچ دروغی، هر چند به زور و زور آراسته باشد، پایدار نمی‌ماند و پروادا با انحراف از رسالت رسانه و خیانت به حقیقت، اتحاد شوروی را به‌ورطه فروپاشی کشاند.

۱۶
۲۴ ساعت
24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

تلفن روابط عمومی: ۰۸۸۷۴۹۳۰۰، تحریریه: ۰۸۸۷۳۵۲۹۱، آگهی‌ها: ۰۸۸۷۳۵۲۰۷، نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
لینتوگرافی و چاپ: هم‌میهن. تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴، توزیع: نشر گستر امروز نوین، تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کریاسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زید آبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی



شکستن سقف شیشه‌ای

تحلیلگران می‌گویند که ۱۳۶ سال زمان
برای پُر کردن شکاف جنسیتی دیجیتال لازم است

نویسنده: کارمن انه

مترجم: محسن محمودی

«خانم‌ها، حواس‌تان باشد که کفش بپوشید، همه جا پُر از خرده شیشه است.» این جمله اکنون به یک شعار معروف تبدیل شده است، اما فراتر از لحظات امیدبخش تاریخی که سقف شیشه‌ای (استعاره از موانع نامرئی پیشرفت زنان) به کف شیشه‌ای (یعنی از بین رفتن موانع و هموار شدن راه) تبدیل شده، سال‌های اخیر برای برابری جنسیتی، دوران دشواری بوده است. در طول همه‌گیری، زنان به‌شکل نامتناسبی آسیب دیدند؛ آنها اغلب سرپرست اصلی خانواده بودند، بار مسئولیت‌های خانگی و آموزش در خانه را بر دوش می‌کشیدند و در نتیجه مجبور به وقفه شغلی یا ترک کامل کار شدند. پیامدهای تغییرات اقلیمی نیز در سال‌های اخیر بدتر شده و زنان به‌طور قابل توجهی از آن متأثر شدند؛ به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که بیشتر مسئولیت تأمین غذا و مراقبت از خانواده‌هایشان برعهده آنهاست. این عوامل و موارد دیگر دست‌به‌دست هم داده‌اند تا بسیاری از زنان را از نیروی کار خارج کرده و شکاف برابری جنسیتی را عمیق‌تر کنند، طوری که پیش‌بینی می‌شود برای پُر کردن این شکاف، به دست‌کم ۱۳۶ سال زمان نیاز باشد. ناگفته پیداست که این مدت انتظار، در صورتی است که شکاف جنسیتی در وضعیت فعلی باقی بماند و وخیم‌تر نشود.

آموزش؛ کلید حل مشکل

فناوری دیجیتال - که اکنون در قلب کسب‌وکارها و جامعه قرار دارد - می‌تواند با فراهم کردن امکان فعالیت از راه دور و انعطاف‌پذیر، دموکراتیزه کردن دسترسی به آموزش و حتی کمک به دولت‌ها برای کاهش تأثیر تغییرات اقلیمی بر مردم، نقش مهمی در پُر کردن این شکاف ایفا کند.

باین حال، زنان همچنان در بخش فناوری سهم کمی دارند و فقط ۱۷ درصد از کارکنان اروپایی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات را تشکیل می‌دهند. تا سال ۲۰۲۶ نیز، بیش از نیمی از مشاغلی که قرار است با فناوری جایگزین شوند، متعلق به زنان خواهد بود. برای معکوس کردن این روند، باید آموزش در اولویت قرار گیرد. ما نمی‌توانیم گذشته را تغییر دهیم، اما زنان می‌توانند برای آینده آماده شوند؛ آینده‌ای که بازار کار آن تحت سلطه مشاغل علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات (STEM) خواهد بود.

تحقیقات نشان می‌دهند که برای جلب و حفظ علاقه دختران ۱۱ تا ۱۵ ساله به رشته‌های STEM، حمایت از آنها در این سنین حیاتی است. البته پشتیبانی در کلاس درس، همچنین فرصت کسب تجربه عملی زودهنگام از سوی کسب‌وکارها ضروری است. این سوی دیگر، این اشتیاق‌ها اغلب در خانه شکل گرفته و تقویت می‌شوند؛ به‌همین دلیل، دسترسی زنان در تمام سنین به فناوری و آموزش دیجیتال نقشی محوری دارد.

اتصال‌پذیری؛ ضرورتی جهانی

دسترسی دیجیتال همچنان یک چالش بزرگ و جهانی است. آمدهای کنونی نشان می‌دهد که فقط ۵۷ درصد از زنان در سراسر جهان به اینترنت دسترسی دارند. این شکاف در کشورهای با درآمد کم و متوسط به‌مراتب عمیق‌تر است؛ تا جایی که احتمال مالکیت تلفن همراه در میان زنان به‌طور قابل توجهی کمتر است. دسترسی به اتصال‌پذیری، دروازه‌ای حیاتی به سوی فرصت‌های بی‌شمار است. این امکان، دسترسی به آموزش‌های آنلاین، اطلاعات ضروری درباره خدمات عمومی و اجتماعی و دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی را فراهم می‌کند.

مشاغل برای همه؛ مسئولیت مشترک کارفرمایان

هنگامی که زیربنای اتصال‌پذیری و آموزش فراهم شود، مسیر ساده‌تری برای زنان (فارغ از کشور محل تولدشان) به‌منظور ورود به بازار روبه‌رشد

دیجیتال وجود خواهد داشت. باین حال کارفرمایان نیز مسئول ایجاد محیط کاری‌ای هستند که مشاغل برای زنان در دسترس باشد و استعدادهای زنانه حفظ شود. شرکت‌های بزرگ و برجسته فناوری در کاهش این شکاف، پیشرفت‌هایی داشته‌اند، اما خارج از کانون توجه، این پیشرفت در شرکت‌های کوچک و متوسط دیده نمی‌شود؛ تا جایی که اهداف جنسیتی اغلب گزارش نمی‌شوند.

شرکت‌ها، چه بزرگ و چه کوچک، باید تلاشی هماهنگ داشته باشند؛ آن‌ها هم فقط برای استفاده از مزایای این فناوری، بلکه برای حمایت واقعی از آنها در محیط کار. تحقیقات دیلویت نشان می‌دهد که پس از همه‌گیری کرونا، فقط ۳۸ درصد از زنان شاغل در حوزه فناوری احساس می‌کنند سازمان‌شان به‌اندازه کافی از آنها حمایت کرده است. این وضعیت نگران‌کننده باعث شده که ۵۷ درصد از این زنان انتظار داشته باشند ظرف دو سال آینده، کارفرمای فعلی خود را ترک کرده و به دنبال نقش جدیدی باشند و حتی ۲۲ درصد نیز به‌طور کلی به ترک نیروی کار فکر می‌کنند. این آمارها واقعاً تکان دهنده هستند و به‌وضوح نشان می‌دهند که اقدامات بیشتری باید انجام شود.

اهمیت رویکرد اکوسیستمی

به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان فناوری، کسب‌وکارها با بازاندیشی در نقش خود در اکوسیستم دیجیتال گسترده‌تر، فرصت عظیمی برای ایجاد تغییرات مثبت دارند. سازمان‌های مسئولیت‌پذیر در حال حاضر معیارهایی را معرفی کرده‌اند که تضمین می‌کند تنوع، برابری و شمول به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از صلاحیت‌های تأمین‌کنندگان آنها در نظر گرفته شود. باین حال برای دسترسی واقعی به فناوری، ضروری است که بررسی شود چگونه الگوهای مصرف دیجیتال می‌توانند اصلاح شوند تا منافع بیشتری برای همه به ارمغان آورند.

فناوری پیشرفته برای حفظ رقابت‌پذیری و نوآوری بسیاری از سازمان‌ها ضروری است؛ باین حال دسترسی به جدیدترین دستگاه‌ها برای همگان الزامی نیست. در چارچوب اقتصاد چرخشی، دستگاه‌های دیجیتال استفاده‌شده در محیط‌های تجاری، پس از تعمیر، حیات مجددی یافته و در اختیار کاربران جدید قرار می‌گیرند. این رویکرد ضمن کاهش تأثیرات زیست‌محیطی، به ایجاد یک بازار پُررونق دست‌دوم کمک می‌کند که دسترسی به فناوری مقرون به‌صرفه را برای نیازمندترین افراد فراهم می‌آورد.

این رویکردهای متمرکز بر اکوسیستم نه‌تنها برای جامعه خوب هستند، بلکه می‌توانند در سطوح مختلف به کسب‌وکارها نیز سود برسانند. بر مبنای گزارش مک کنزی: «توجه به نگرانی‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی به‌بازدهی ملمه‌مند می‌زند، بلکه برعکس است.»

مسیر پیش رو

برای اینکه سقف شیشه‌ای را برای همیشه بشکنیم، مدیران کسب‌وکار باید جسارت بازنگری در رویکردهای سنتی استخدام کارکنان، مدیریت فناوری و انتخاب تأمین‌کنندگان را داشته باشند. از سوی دیگر، لازم است سیاست‌گذاران استراتژی‌های برابری جنسیتی را به اجرا بگذارند که دسترسی واقعاً دموکراتیک به آموزش را فراهم کرده و از زنان در محیط کار حمایت می‌کند. برابری حقیقی - یعنی جایی که زنان و دختران به ابزارهای لازم برای یادگیری دسترسی داشته باشند، سپس بتوانند از آموخته‌های خود در محیطی منعطف و حمایتی برای کسب درآمد استفاده کنند - می‌تواند پایه‌ای محکم برای یک جامعه دیجیتال شکوفا باشد. در چنین جامعه‌ای، کسب‌وکارها ضمن افزایش تاب‌آوری خود، شهرت و فرصت‌هایشان برای رسیدن به سودآوری پایدار را نیز بهبود می‌بخشند.

با همکاری همه این بخش‌ها، امید است که دیگر مجبور نباشیم ۱۳۶ سال برای رسیدن به این برابری منتظر بمانیم.

منبع: فوربس

چهره

عمادالکتاب و وطن‌پرست



میرزا محمدحسین سیفی قزوینی، ملقب به عمادالکتاب و از استادان خوشنویس خط نستعلیق ایران، در چنین روزی درگذشت. او یکی از پیروان برجسته میرزای کلهر است که سبک و شیوه خاص او در هنر خوشنویسی را گسترش داد. عمادالکتاب، متولد قزوین به تاریخ ۲۷ فروردین ماه ۱۲۴۰ بود و غالب عمرش هم به کتابت و تعلیم خط گذشت. دوران جوانی اش را در سفر به عتبات عالیات گذراند و غالباً نیز از راه نوشتن خط، زندگی کرد. در بازگشت به ایران در سال ۱۲۷۱ شمسی، در خیابان ناصر خسرو آموزشگاه خوشنویسی تأسیس کرد و نام آن را «دارالکتاب» گذاشت. او نسخه‌ای از شاهنامه فردوسی معروف «امیر بهادری» را برای مظفرالدین‌شاه خوشنویسی کرد و لقب عمادالکتاب گرفت. او مردی وطن‌پرست بود و در انقلاب مشروطه به جرگه آزادی خواهان پیوست. در دوره سلطنت احمدشاه، مدتی در وزارت داخله بود و به پادشاه نیز خط آموزش می‌داد. عمادالکتاب، کتیبه‌های آرامگاه فردوسی و دارالفنون، دانشسرای عالی، مدرسه رضاییه، دانشگاه تهران و دانشکده الهیات فعلی را در زمان پهلوی اول نوشت. او اولین خوشنویسی است که کتابچه‌های رسم‌الخط نستعلیق را برای نوآموزان ابداع کرد. عمادالکتاب در سال ۱۳۱۵ درگذشت و در امامزاده عبدالله شهرری به خاک سپرده شد.

کتابخانه

بزرگترین ایزدبانوی ایرانی

آناهیتا در کنار میترا، یکی از مهمترین ایزدان ایرانی است. این ایزدبانوی ایرانی - آریایی در پشت پنجم اوستا و به‌عنوان خدا و نگاهبان آب‌های جهان، معرفی و تحسین شده است. حتی از آنجا که آناهیتا قدرت بسیاری دارد، فره زرتشت به او سپرده شد تا از آن پاسداری کند. باتوجه به سابقه خشکسالی و ترس همیشگی ایرانیان از چنین مصیبتی، طبیعی است که آناهیتا و ستایش آن نزد آنها، قدمتی طولانی و اهمیتی کم‌نظیر داشته است. پنج‌هزار ساله ایزدبانوی آب است. جز اینها، این کتاب به شباهت‌های میان آناهیتا و سایر ایزدبانوهای آب در اروپا

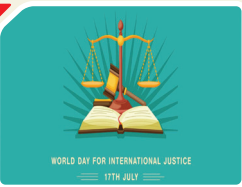


نام کتاب: **آناهیتا**
نویسنده: **مانیا سعدی‌نژاد**
مترجم: **فاطمه شاداب**
انتشارات: **فقتوس**

اشاره می‌کند. با مهاجرت نژاد هندواروپایی به فلات ایران، این الهه در این سرزمین نیز مورد توجه قرار گرفت، به‌نحوی که در دوران هخامنشیان اهمیت زیادی پیدا کرد. پس از ورود اسلام به ایران، اما آناهیتا دیگر در نظام پرستش ایرانیان جایی نیافت، هر چند ردپای آن در شاهنامه فردوسی دیده می‌شود.

تاریخ

روز جهانی عدالت بین‌المللی



در هفدهم ژوئیه ۱۹۹۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در شهر رم، به تأیید نمایندگان ۱۲۰ دولت رسید. برای یادآوری این رخداد که جامعه بین‌المللی سال‌ها در انتظار آن بود،

چنین روزی را روز جهانی عدالت بین‌المللی نام نهادند. با تأیید این اساسنامه، نخستین دیوان کیفری دائمی برای تعقیب و مجازات عاملان جنایات بین‌المللی پس از تصویب ۶۰ کشور در اول ژوئیه ۲۰۰۲ میلادی تأسیس شد. این دیوان، نهادی است مستقل که به هیچ دولت و تشکیلاتی وابسته نیست و مقر آن در شهر لاهه است. ضرورت تشکیل چنین نهادی پس از پایان دو جنگ جهانی احساس شد. با برگزاری محاکمات نورنبرگ (۱۹۴۵) و توکیو (۱۹۴۶)، بسیاری از سران و رهبران آلمان نازی و ژاپن به اتهام جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، تحت پیگرد قرار گرفتند و به مجازات رسیدند. اتفاقاتی نیز که در دهه ۱۹۹۰ در یوگسلاوی و رواندا رخ داد، جامعه بین‌المللی را متقاعد کرد که مصونیت از تعقیب سران کشورها، عارضه‌ای است که صلح و امنیت جهانی را به مخاطره می‌افکند و با تأسیس دیوان کیفری، کوشیدند این نقیصه را رفع کنند.